

Analysis of the Welfare Effect of Macroeconomic Instability on Consumption Flow in Iran¹

Mohammad Abdi Seyyedkolae², Shahryar Zaroki³, Fatemeh Azhari⁴

Received: 2025/03/02

Accepted: 2025/07/01

Abstract

Consumption is one of the components of aggregate demand and one of the main elements determining the level of GDP. Consumption plays an important role in macroeconomics, and is the largest part of GDP; also, it has a secondary effect on people's savings and future investment. Therefore, examining the factor's affecting consumption is important. In this study, the effect of macroeconomic instability on the consumption flow dimension of economic welfare in Iran during the period 1977-2023 has been investigated. To this end, the study's model was estimated in four specifications, based on four indicators of macroeconomic instability (ARCH-GARCH, Gelzakas, Hodrick-Prescott, and standard deviation), using the autoregressive distributed lag (ARDL) approach. Descriptive statistics indicate that the average per capita consumption flow in the Iranian economy is 2.67 billion rials, with the highest value observed during the Fifth Development Plan. The trend shows an overall increase accompanied by fluctuations. The highest average among the instability indices was observed for the Golisakos index, at 42.6 percent. The long-term results in four estimates of the research model indicate that macroeconomic instability has an adverse effect on consumption flows. The level of the flow of consumption dimension of economic welfare shows a significant decrease during the years 1977-1989 and the post-JCPOA period (2017-2023). Also, production and government size have a positive (desirable) effect, and the unemployment rate has a negative (undesirable) effect on the flow of consumption. These findings can inform in policymaking to reduce volatility and improve economic transparency in Iran.

Keywords: Macroeconomic Instability, Consumption Flow, ARDL, Iran.

JEL Classification: E21, C22, I31.

1. doi: 10.22051/ieda.2025.50479.1462

2. Associate Professor, Department of Economics, Mazandaran University, Babolsar, Iran. Corresponding Author. Email:m.abdi.sk@umz.ac.ir.

3. Associate Professor, Department of Energy Economics, Mazandaran University, Babolsar, Iran. Email:sh.zaroki@umz.ac.ir

4. M.Sc. Department of Economics, Mazandaran University, Babolsar, Iran. Email:fatemeh.azhari1378@gmail.com.

مقاله پژوهشی

تحلیل اثر رفاهی بی‌ثباتی اقتصاد کلان بر جریان مصرف در ایران^۱

محمد عبدی سیدکلایی^۲، شهریار زروکی^۳، فاطمه اظهري^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۲

چکیده

مصرف یکی از اجزای تقاضای کل و از عناصر اصلی تعیین‌کننده سطح تولید ناخالص داخلی است. همچنین، اثر ثانویه روی پس‌انداز مردم و سرمایه‌گذاری در آینده دارد؛ پس نقش مهمی در اقتصاد کلان بازی می‌کند و بررسی عوامل مؤثر بر آن دارای اهمیت می‌باشد. از این‌رو، در مطالعه حاضر اثر بی‌ثباتی اقتصاد کلان بر بعد جریان مصرف از رفاه اقتصادی در ایران طی دوره زمانی ۱۴۰۲-۱۳۵۶ بررسی شده است. به این منظور الگوی پژوهش در چهار قالب با توجه به چهار شاخص از بی‌ثباتی اقتصاد کلان (آرچ-گارچ، گلزاکاس، هودریک-پرسکات، انحراف معیار) از رهیافت خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL) برآورد شده است. نتایج حاصل از توصیف داده‌ها نشان می‌دهد، سرانه جریان مصرف دارای میانگین ۲/۶۷ میلیارد ریال در اقتصاد ایران است که بیشترین مقدار آن مربوط به برنامه پنجم و روند حرکتی آن افزایشی همراه با نوسانات است. بیشترین میانگین در بین شاخص‌های بی‌ثباتی، مربوط به گلزاکاس با رقم ۴۲/۶ درصد بوده است. نتایج بلندمدت در چهار برآورد از الگوی پژوهش حاکی از آن است که بی‌ثباتی اقتصاد کلان با اثر نامطلوب بر جریان مصرف همراه بوده است. سطح بعد جریان مصرف از رفاه اقتصادی طی سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۵۶ و دوره پس‌ابرجام (۱۴۰۲-۱۳۹۶) کاهش معناداری را نشان می‌دهد. همچنین، تولید و اندازه دولت با اثر مثبت (مطلوب) و نرخ بیکاری با اثر منفی (نامطلوب) بر جریان مصرف همراه است. این یافته‌ها می‌توانند در سیاست‌گذاری برای کاهش نوسانات و بهبود شفافیت اقتصادی در ایران مورد استفاده قرار گیرند.

واژگان کلیدی: بی‌ثباتی اقتصاد کلان، رفاه، جریان مصرف، ایران.

طبقه‌بندی موضوعی: E21، C22، I31

۱. کد DOI مقاله: 10.22051/ieda.2025.50479.1462

۲. دانشیار، گروه اقتصاد نظری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. نویسنده مسئول. Email: m.abdi.sk@umz.ac.ir

۳. دانشیار، گروه اقتصاد انرژی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. Email: sh.zaroki@umz.ac.ir

۴. کارشناسی ارشد، گروه علوم اقتصادی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. Email: fatemeh.azhari1378@gmail.com

مقدمه

مصرف یکی از جامع‌ترین مباحث اقتصاد کلان و مهم‌ترین جزء تقاضای کل است. تابع مصرف ابزاری برای سیاست‌گذاران اقتصادی است تا بتوانند تغییرات این متغیر و اثرات آن را که به شکل تورم یا رکود اقتصادی ظاهر می‌شود، پیش‌بینی کرده و راه‌حلی برای آن‌ها بیابند. در اقتصاد کلان، رفتار و عادات مصرفی افراد و خانوارهای مختلف در مصرف بخش خصوصی، جمع‌بندی می‌شود. در شرایط عادی، با افزایش درآمد، مصرف نیز افزایش می‌یابد و با گسترش طیف مصرف کالاها و خدمات بر میزان رفاه افزوده می‌شود (امام قلی‌پور و عاقلی، ۱۳۹۱). شناخت میزان مصرف و به‌دست آوردن میل نهایی به مصرف می‌تواند جهت‌های اقتصادی آینده را در زمینه‌های تغییر الگوی مصرف، افزایش یا کاهش سرمایه‌گذاری از طریق پیش‌بینی پس‌اندازهای احتمالی و برآورد مخارج مصرفی آینده مشخص کند. سیاست‌گذاران اقتصادی با شناسایی عوامل مؤثر بر مصرف می‌توانند با تحریک متغیرهای مورد نظر میزان مصرف را در وضعیت رکودی و یا تورمی در جهت مناسب هدایت کنند. به توضیح مبسوط‌تر، سیاست‌گذاران قادر خواهند بود در وضعیت تورمی به‌وسیله وضع مالیات میزان مصرف و تقاضای کل را کاهش دهند و از میزان فشار تورمی بکاهند. از جهتی دیگر، در وضعیت رکودی به‌وسیله تحریک مصرف و تقاضای کل، اقتصاد را از وضعیت رکودی خارج کنند (احمد و همکاران، ۱۳۸۷). تابع مصرف از مهم‌ترین کمک‌های کینز (۱۹۹۳) به علم اقتصاد است. کینز معتقد بود درآمد واقعی عامل عمده تعیین‌کننده مخارج مصرفی است. کندیل و میرزایی^۱ (۲۰۰۶)، عوامل مؤثر بر مصرف را تولید ناخالص داخلی، نرخ بهره و نرخ ارز واقعی می‌دانستند. آن‌ها نرخ ارز واقعی به‌دلیل این‌که بازتاب بهتری از ارزش پول ملی یک کشور است را در مدل خود لحاظ کردند و استدلال کردند که چون در کشورهای درحال توسعه مصرف خصوصی تا حد زیادی به واردات بستگی دارد و عمدتاً واردات بیشتر از صادرات است، با افزایش نرخ ارز واقعی هزینه واردات افزایش می‌یابد و با افزایش هزینه واردات، تقاضا برای کالاهای غیرقابل مبادله کاهش می‌یابد، در نتیجه مصرف کاهش خواهد یافت. بی‌ثباتی‌های اقتصاد کلان از جمله نوسانات نرخ ارز عاملی هستند که می‌توانند بر مصرف تأثیر بگذارند. نوسانات نرخ ارز، تقاضای کل اقتصاد و عرضه اقتصاد را تحت تأثیر قرار می‌دهند. از آنجاکه نوسانات در نرخ ارز منجر به نوسانات تورم می‌شود، می‌تواند بر مصرف تأثیر داشته باشد. محققانی مانند تیلور^۲ (۱۹۷۹)، ریورا-باتیز^۳ (۱۹۸۷) و منکیو^۴ (۲۰۰۰) معتقدند، طبقه‌ای از جامعه که درآمد کمتری دارد میل نهایی به مصرف بیشتری خواهد داشت و کاهش ارزش پول باعث کاهش مصرف خانوار (مصرف خصوصی) خواهد شد (میرزا محمدی و انجم شجاع، ۱۳۹۳). بی‌ثباتی در متغیرهای اقتصادی منجر به تغییر و نوسان شاخص قیمت‌های مصرف‌کننده و عمده‌فروشی می‌شود. تورم از دیگر عوامل بی‌ثباتی اقتصاد کلان است که می‌تواند بر مصرف اثرگذار باشد. افزایش در نااطمینانی تورم می‌تواند پس‌انداز را افزایش دهد، در نتیجه منجر به

1. Kandil & Mirzaei
2. Taylor
3. Rivera-Batiz
4. Mankiw



کاهش مصرف برای انگیزه احتیاطی شود. الکساندر (۱۹۵۰) بیان داشت که با توجه به اثرات تورمی کاهش ارزش پول و با استناد به تعدیل توأم با تأخیر طولانی دستمزدها نسبت به تورم، وقتی قیمت‌ها تحت تأثیر کاهش ارزش پول افزایش می‌یابند، درآمد از نیروی کار با میل نهایی به مصرف بالا به تولیدکننده با میل نهایی به مصرف پایین انتقال می‌یابد، در نتیجه مصرف کل کاهش می‌یابد (محسنی زنوزی و همکاران، ۱۳۹۶). از دیگر عوامل مؤثر بر مصرف می‌توان به بدهی‌های دولت اشاره کرد. رشد بدهی‌های دولتی، خواه ناشی از کاهش درآمدهای دولت و خواه ناشی از افزایش مخارج آن باشد، با تأثیر مستقیم روی درآمد قابل تصرف خانوارها، مصرف آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (محمدزاده اصل، ۱۳۹۷). از آنجاکه در بسیاری از کشورها بیش از نیمی از تقاضای کل را هزینه‌های مصرفی بخش خصوصی تشکیل می‌دهد، شناخت ساختار این جزء مهم از تقاضای کل، مورد توجه بسیاری از اقتصاددانان قرار گرفته است. بدیهی است که آشنایی با عوامل مؤثر مصرف بسیار مهم است و ابزار و معیارهای لازم را برای تبیین رفتار مصرفی یا تعدیل مصرف در شرایط رکودی یا تورمی در اختیار سیاست‌گذاران قرار می‌دهد.

در مطالعه حاضر ضمن محاسبه شاخص‌های بی‌ثباتی اقتصاد کلان با چهار متغیر تورم، نسبت کسری بودجه به تولید، نسبت بدهی خارجی به تولید و نرخ ارز بازار آزاد در بازه زمانی ۱۴۰۲-۱۳۵۶ تلاش شده تا اثر بی‌ثباتی اقتصاد کلان بر جریان مصرف مورد بررسی واقع شود. برای این منظور از رهیافت خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی^۱ استفاده شده است. در این راستا ساختار مقاله حاضر بدین صورت سازماندهی شده است که پس از مقدمه، در بخش دوم به ادبیات پژوهش با تأکید بر ادبیات نظری و ادبیات تجربی پرداخته خواهد شد. در بخش سوم روش پژوهش و توصیف داده‌ها ارائه خواهد شد. سپس در بخش چهارم برآورد مدل انجام می‌شود و در پایان، نتایج پژوهش و راهکارها ارائه می‌شود.

ادبیات پژوهش

۱. ادبیات نظری پژوهش

واژه بی‌ثباتی اقتصاد کلان، همانند برخی از مفاهیم پایه‌ای علم اقتصاد دارای معانی روشن و ثابتی نیست. آنچه که کاملاً مشهود است، آن است که بی‌ثباتی اقتصاد کلان ارتباط نزدیکی با نرخ تورم بالا، نوسانات شدید نرخ ارز، بی‌ثباتی تراز پرداخت‌ها و کسری بودجه دارد (اقبالی و همکاران^۲، ۲۰۰۳). فیشر^۳ (۱۹۹۳) و بلینی^۴ (۱۹۹۶) در رابطه با بی‌ثباتی اقتصاد کلان بیان می‌کنند هنگامی که درخصوص افزایش بی‌ثباتی اقتصاد کلان بحث می‌شود منظور افزایش یک یا چند شاخص از شاخص‌های بی‌ثباتی اقتصاد کلان مانند نرخ تورم، نسبت کسری بودجه دولت به تولید ناخالص داخلی، نسبت بدهی خارجی دولت به تولید

1. Autoregressive Distributed Lags (ARDL)

2. Eghbali *et al.*

3. Fischer

4. Bleaney

ناخالص داخلی و انحراف در ارز واقعی است که از سیاست یا راهکارهای اعمال شده توسط دولت ناشی می‌شود. اندازه‌گیری بی‌ثباتی اقتصاد کلان نیاز به بحث دارد که راه‌حل آن به کانون توجه سیاست‌گذاران تبدیل شده است. تعداد کمی از اقتصاددانان کوشیده‌اند تا شرایط دقیق بی‌ثباتی اقتصاد کلان را تعریف کنند، اما پشتوانه نظری برای پیامدهای سیاست دقیق ندارند (اعظم^۱، ۲۰۰۱). او کامپو^۲ (۲۰۰۸) مفهومی از ثبات اقتصاد کلان را با درگیر کردن ثبات قیمت، سیاست‌های مالی و عملکرد خوب اقتصادهای واقعی، بدهی عمومی قابل پرداخت توسط دولت و ترازنامه‌های بخش خصوصی و دولتی ارائه می‌کند. اقبال و نواز^۳ (۲۰۱۰)، از شاخص فلاکت به‌عنوان بی‌ثباتی کلان اقتصادی در پاکستان استفاده کرده‌اند که متشکل از نرخ تورم و نرخ بیکاری است. اولین بار اسمیهان^۴ (۲۰۰۳)، با استفاده از چهار شاخص نرخ تورم، نسبت بدهی خارجی به تولید ناخالص داخلی، کسری عمومی به تولید ناخالص ملی و نرخ ارز، شاخص بی‌ثباتی کلان اقتصادی را برای ترکیه محاسبه کرده است. سانچز-روبلز^۵ (۱۹۹۸) با استفاده از تورم، کسری بودجه عمومی و انواع مخارج عمومی به‌عنوان سهمی از تولید ناخالص داخلی و انحرافات بازار برای دوره ۱۹۶۲-۱۹۹۵، شاخص بی‌ثباتی کلان اقتصادی را برای اسپانیا ارائه کردند (علی و رحمان^۶، ۲۰۱۵). براساس تعریف مؤسسه پی. آر. اس^۷ بی‌ثباتی اقتصادی با پنج عامل تولید ناخالص داخلی سرانه، رشد اقتصادی، نرخ تورم، توازن بودجه به‌صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی و تراز تجاری به‌صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی شناسایی می‌شود (کشاورز و رضایی، ۱۴۰۰).

مصرف داخلی نقش مهمی در تعیین رفاه و تأثیر پویای شوک‌های اقتصادی دارد. پیشرفت آن وسیله ای مؤثر برای حفظ رشد اقتصادی است. بنابراین، برای اقتصاددانان و سیاست‌گذاران بسیار مهم است که عوامل تعیین‌کننده مصرف داخلی را شناسایی کنند. اقتصاددانان سنتی درآمد و نرخ بهره را به‌عنوان تعیین‌کننده اصلی مصرف داخلی معرفی کردند. بلوم^۸ (۲۰۱۴) اظهار داشت که نرخ بهره بر مصرف داخلی تأثیر می‌گذارد. او استدلال کرد که نرخ‌های بهره‌ی بالا، سرمایه‌گذاری را کند می‌کند که به‌نوبه‌ی خود مانع فعالیت‌های اقتصادی شده و مصرف کل را در اقتصاد کاهش می‌دهد. بوندت و همکاران^۹ (۲۰۲۰) نیز تأیید کردند که ثروت، اطمینان خانوارها را از آینده افزایش داده و مصرف داخلی را تقویت می‌کند. آن‌ها همچنین اظهار داشتند که سطح ثروت خانوار عامل مهمی است که انتخاب‌ها و سطح مصرف داخلی را در درازمدت تعیین می‌کند.

1. Azam
2. Ocampo
3. Iqbal & Nawaz
4. İsmihan
5. Sanchez-Robles
6. Ali & Rehman
7. Political Risk Service (PRS)
8. Bloom
9. Bondt *et al.*



در طول دوره‌های ثبات اقتصادی، زمانی که قیمت دارایی‌ها در حال افزایش است و اعتبار به راحتی در دسترس است، افراد تمایل دارند نسبت به چشم‌انداز مالی خود خوش‌بین‌تر شوند که منجر به افزایش مصرف و استقراض می‌شود. با این حال، این خوش‌بینی می‌تواند منجر به حباب‌های مالی و سقوط متعاقب آن شود و باعث انقباض شدید مصرف و بی‌ثباتی اقتصادی شود. این نظریه‌های پسا کینزی بر ماهیت پویا و به هم پیوسته مصرف، توزیع درآمد و بازارهای مالی تأکید می‌کنند و دیدگاه نئوکلاسیک را که افراد تصمیمات مصرف را جدا از عوامل خارجی می‌گیرند به چالش می‌کشند. با در نظر گرفتن درآمد نسبی و بی‌ثباتی مالی، تئوری مصرف پساکینزی درک دقیق‌تری از چگونگی تأثیر پویایی‌های اقتصادی و اجتماعی بر الگوهای مصرف فردی و کل ارائه می‌دهد. با توجه به نقش درآمد و ثروت، تئوری مصرف نئوکلاسیک پیشنهاد می‌کند که تصمیمات مصرف در درجه اول توسط درآمد و ثروت فعلی تعیین می‌شود و افراد مصرف خود را در طول زمان براساس انتظارات درآمدی در طول زندگی خود هموار می‌کنند (فریدمن، ۱۹۵۷؛ هال، ۱۹۷۸)؛ برعکس، اقتصاد پساکینزی بر این نکته تأکید دارد که عواملی مانند توزیع درآمد، توزیع ثروت و دسترسی به اعتبار نقش‌های حیاتی در شکل دادن به الگوهای مصرف ایفا می‌کنند. با تمرکز بر انتظارات و عدم قطعیت، مدل‌های نئوکلاسیک اغلب فرض می‌کنند که مصرف‌کنندگان آینده‌نگری کامل دارند و براساس اطلاعات کامل و دقیق در مورد درآمد و قیمت‌های آینده تصمیم می‌گیرند. با این حال، اقتصاد پساکینزی تشخیص می‌دهد که مصرف‌کنندگان اغلب با عدم اطمینان در مورد درآمد آینده و شرایط اقتصادی مواجه هستند. این مدل‌ها این ایده را در بر می‌گیرند که مصرف‌کنندگان ممکن است انتظارات تطبیقی داشته باشند و مصرف خود را در پاسخ به شرایط در حال تغییر تنظیم کنند (لابوردا و سوارز، ۲۰۲۴).

مطابق رابطه برابری نشستی و تزریق ($G-T=S-I$)، افزایش در کسری بودجه موجب افزایش خالص پس‌انداز بخش خصوصی می‌شود. با افزایش درآمد، تقاضا برای پول و به تبع آن نرخ بهره افزایش می‌یابد. افزایش نرخ بهره، هزینه تأمین اعتبار برای طرح‌های سرمایه‌گذاری را افزایش داده و موجب می‌شود تا تقاضا برای سرمایه‌گذاری کاهش یابد. کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی اثرات انبساطی انتقال IS را تا حدودی خنثی می‌کند. زمانی مخارج دولت از نوعی باشد که در زمان جاری برای مصرف‌کننده مطلوبیت داشته و در سبد مصرفی افراد، جانشین کالاها و مخارج بخش خصوصی تلقی شود، در آن صورت کسری بودجه، مصرف بخش خصوصی را کاهش خواهد داد. میزان این کاهش به درجه جانشینی مخارج دولت با مصرف بخش خصوصی بستگی دارد. زمانی که مخارج دولت و مخارج بخش خصوصی جانشین کامل یکدیگر باشند، مصرف بخش خصوصی به همان میزان کاهش خواهد یافت. اما اگر مخارج دولت در آینده برای مردم مطلوبیت داشته باشد و همچنین، مکمل کالاها و خدمات مصرفی در بخش خصوصی باشد، در آن صورت افزایش کسری بودجه، مصرف بخش خصوصی را افزایش می‌دهد. میزان افزایش مخارج مصرفی بخش خصوصی به درجه مکمل بودن این دو مخارج بستگی خواهد داشت (موسوی جهرمی و زایر، ۱۳۸۷). براساس دیدگاه کینزین‌ها، هرگاه دولت برای تأمین مالی کسری بودجه اقدام به انتشار اوراق قرضه نماید،

1. Hall
2. Laborda & Suárez

مصرف بخش خصوصی از طریق کانال "ثروت" تحت تأثیر قرار می‌گیرد. افزایش در مصرف به صورت تکاثری باعث افزایش تقاضای کل می‌گردد.

چند مطالعه استدلال کردند که تورم نیز می‌تواند بر میزان مصرف تأثیر بگذارد. از آنجاکه تورم هزینه زندگی را از طریق افزایش قیمت کالاها افزایش و فرصت‌های دریافت شغل خوب را کاهش می‌دهد، در نتیجه منجر به کاهش سطح درآمد و در نهایت باعث کاهش هزینه‌های مصرف خانوار می‌شود (آلسولا و همکاران^۱، ۲۰۲۲). مطالعه هاسمن و ویلند^۲ (۲۰۱۴) نشان داد که تغییرات در سطح قیمت‌ها و پیش‌بینی‌های تورمی ممکن است بر هزینه‌های مصرفی خانوار تأثیر بگذارد؛ تورم بالاتر ممکن است باعث افزایش عدم قطعیت تورم شود که در درازمدت از طریق کانال پس‌انداز احتیاطی، مصرف داخلی را کاهش می‌دهد (پاستور و ورونسی^۳، ۲۰۱۳). آیکه و هو^۴ (۲۰۲۰) دریافتند که افزایش تجارت بین‌المللی بین کشورها، نرخ ارز را به یکی از عوامل کلیدی و مهم تعیین‌کننده سطح مصرف داخلی تبدیل کرده است. الکساندر^۵ (۱۹۵۲) اولین کسی بود که در مطالعه‌ی خود نرخ ارز را با مصرف مرتبط ساخت. وی ادعا کرد که مصرف تحت تأثیر پیامدهای عبور نرخ ارز به تورم است. یعنی نوسانات نرخ ارز بر تصمیمات مصرف خانوار از طریق تورم تأثیر می‌گذارد. نوسانات نرخ ارز تأثیر قابل توجهی بر رفاه و زندگی اجتماعی کل اقتصاد دارد و با توجه به این‌که کشورها در حال جهانی‌شدن هستند، با مصرف داخلی اندازه‌گیری می‌شود. از این‌رو، تثبیت نرخ ارز می‌تواند باعث افزایش پایدار مصرف داخلی شود (ممتاز و علی^۶، ۲۰۲۰).

۲. ادبیات تجربی پژوهش

در بخش ادبیات تجربی مطالعه حاضر، ابتدا مطالعات داخلی، سپس مطالعات خارجی مرتبط و در انتها، نوآوری پژوهش ارائه می‌شود.

عبدی و همکاران (۱۴۰۴) به بررسی آثار نامتقارن ادوار تجاری بر مصرف و انباشت ثروت در ایران در بازه زمانی ۱۳۵۰-۱۴۰۲ پرداختند. برای رسیدن به این منظور از الگوی خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی غیرخطی استفاده شد. نتایج حاصل از برآورد نشان داد که رونق اقتصادی موجب افزایش مصرف و انباشت ثروت و رکود اقتصادی سبب کاهش آن‌ها می‌شود. همچنین، آثار نامطلوب رکود به‌طور معناداری بیشتر از آثار مطلوب رونق بر مصرف و انباشت ثروت است و این آثار نامتقارن در بلندمدت تشدید می‌شود.

فتحی و همکاران (۱۴۰۳) به بررسی آثار شوک کسری بودجه، بدهی بخش عمومی و روش‌های تأمین مالی دولت بر مؤلفه‌های مصرف و ثروت شاخص رفاه اقتصادی در بازه زمانی ۱۴۰۱-۱۳۷۱ پرداختند. برای رسیدن به این منظور از الگوی خودرگرسیون برداری ساختاری استفاده کردند. نتایج حاصل از برآورد نشان

1. Olusola *et al.*
2. Hausman & Wieland
3. Pastor & Veronesi
4. Iyke & Ho
5. Alexander
6. Mumtaz & Ali



داد که در بلندمدت کسری بودجه بر شاخص مصرف تأثیر قابل توجهی ندارد و آثار بدهی بخش عمومی بر شاخص مصرف منفی بوده است.

محسنی زنوزی و همکاران (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای به بررسی اثر نرخ ارز و ناطمینانی نرخ ارز بر مصرف داخلی در ایران پرداختند. به این منظور از مدل واریانس ناهمسانی شرطی خودرگرسیون تعمیم‌یافته (GARCH) و مدل خودرگرسیونی با وقفه‌های توزیعی و الگوی تصحیح خطای برداری در سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۶۷ استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد نرخ ارز بر مصرف اثر مثبت و معنادار و ناطمینانی نرخ ارز بر مصرف اثر منفی و معنادار دارد.

میرزاحمدی و انجم شعاع (۱۳۹۳) در مقاله‌ای به بررسی اثر نوسات نرخ ارز واقعی مؤثر بر مصرف در ایران با استفاده از روش خودرگرسیونی با وقفه‌های توزیعی و روش تصحیح خطا در بازه زمانی ۱۳۸۹-۱۳۶۷ پرداختند. یافته‌ها حاکی از آن است که تولید ناخالص داخلی بر مصرف اثر مثبت اما نرخ سود سپرده‌های بانکی و نوسانات نرخ ارز واقعی مؤثر، اثر منفی بر آن دارند.

لعل خضری و همکاران (۱۳۹۳) به بررسی اثر تلاطم نرخ ارز بر مصرف بخش خصوصی در ایران در بازه زمانی ۱۳۵۲-۱۳۹۰ پرداختند. به این منظور از الگوی واریانس ناهمسانی شرطی خودرگرسیونی تعمیم یافته (GARCH) برای استخراج مقادیر بی‌ثباتی نرخ ارز حقیقی و روش خودرگرسیونی با وقفه‌های توزیعی جهت بررسی تأثیر بی‌ثباتی نرخ ارز حقیقی بر مصرف بخش خصوصی استفاده شد. نتایج حاصل از برآورد الگو نشان داد که درآمد قابل تصرف، نقدینگی، نرخ ارز حقیقی و بی‌ثباتی نرخ ارز حقیقی در بلندمدت اثر مثبت و نرخ بهره حقیقی اثر منفی بر مصرف بخش خصوصی داشته‌اند.

احمدی شادمهری و همکاران^۱ (۲۰۲۵) اثر متغیر زمانی تورم بر مصرف در دوره بی‌ثباتی ناشی از تحریم‌ها در ایران را با استفاده از روش WLS-RW و با استفاده از داده‌های ماهانه از آوریل ۲۰۱۰ تا آوریل ۲۰۲۲ مورد بررسی قرار دادند. نتایج به‌دست‌آمده مؤید آن است که در برخی دوره‌ها اثر ضریب تورم بر مصرف مثبت و در برخی دوره‌ها منفی است. تولید ناخالص داخلی سرانه اثر مثبت اما نوسانی بر مصرف دارد. نرخ ارز در برخی مقاطع بر مصرف اثر مثبت و در برخی مقاطع اثر منفی دارد.

مورینیکه و چاکوویم^۲ (۲۰۲۴) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر بدهی خارجی و نوسانات نرخ ارز بر مصرف داخلی در جنوب صحرای آفریقا طی سال‌های ۲۰۲۱-۱۹۹۰ پرداختند. در این پژوهش از روش میانگین گروهی تلفیقی^۳ و تکنیک پانل ناهمگن پویا بهره جستند. نتایج نشان می‌دهد که در بلندمدت بدهی خارجی تأثیر منفی بر مصرف داخلی دارد. همچنین، نوسانات نرخ ارز تأثیرات مثبت و منفی بر مصرف داخلی دارد.

1. Ahmadi Shadmehri *et al.*
2. Morenike & Chukwuyem
3. Pooled Mean Group (PMG)

مهتا^۱ (۲۰۲۴) در مطالعه‌ای با استفاده از رهیافت خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی در بازه زمانی ۱۹۹۸-۲۰۲۳ به بررسی کسری بودجه و مصرف در هند پرداخت. نتایج حاصل از پژوهش حاکی از آن است که نقدینگی اثر مثبت و معناداری بر مصرف دارد.

آیکه و هو (۲۰۲۰) در پژوهشی با استفاده از داده‌های تابلویی پویا به بررسی عدم قطعیت مصرف و نرخ ارز در کشورهای منتخب آسیایی بین سال‌های ۱۹۹۳-۲۰۱۷ پرداختند. نتایج مؤید آن است عدم قطعیت مانع مصرف در بلندمدت می‌شود و در کوتاه‌مدت تأثیرات آن بی‌اهمیت است.

اوسنی^۲ (۲۰۱۶) در پژوهشی با استفاده از روش پانل پویا طی سال‌های ۲۰۱۴-۱۹۹۹ به بررسی نوسانات نرخ ارز و مصرف خصوصی در کشورهای صحرای آفریقا پرداخت. نتایج نشان می‌دهد نوسانات نرخ ارز اثر منفی و معنی‌دار بر مصرف خصوصی در کشورهای جنوب صحرای آفریقا دارد.

بهمنی اسکویی و زی^۳ (۲۰۱۲) در مطالعه‌ای با استفاده از رهیافت خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی به بررسی اثر نوسانات نرخ ارز بر مصرف در ۱۲ کشور پرداختند. یافته‌ها حاکی از آن است که نوسانات نرخ ارز در کوتاه‌مدت در ۱۲ کشور و در بلندمدت در ۹ کشور تأثیر معنادار دارد. در نتیجه، نوسانات نرخ ارز را به‌عنوان عامل تأثیرگذار بر مصرف معرفی کردند.

کندیل و میرزایی (۲۰۰۶) در مطالعه‌ای به بررسی مصرف و سیاست‌های کلان اقتصادی در کشورهای درحال توسعه در سال‌های ۲۰۰۲-۱۹۶۳ براساس داده‌های سالانه پرداختند. نتایج نشان داد نرخ ارز از عوامل مؤثر بر مصرف است. همچنین، در کشورهای درحال توسعه مصرف خصوصی بستگی به واردات دارد و واردات در کشورهای درحال توسعه از صادرات بیشتر است. با افزایش نرخ ارز واردات افزایش می‌یابد که باعث کاهش تقاضا برای کالاهای غیرقابل انتقال می‌شود؛ در نتیجه، مصرف کاهش خواهد یافت.

با توجه به مطالعات داخلی صورت گرفته، نوآوری پژوهش حاضر نسبت به موارد مرتبط قبلی بررسی اثر بی‌ثباتی اقتصاد کلان بر جریان مصرف است که در مطالعات پیشین مورد توجه قرار نگرفته است. همچنین، لازم به ذکر است اهمیت بی‌ثباتی اقتصاد کلان و تأثیرگذاری آن بر سایر متغیرهای مهم اقتصاد و عکس‌العمل آن نسبت به تحولات اقتصادی باعث شده تا موضوع بی‌ثباتی اقتصاد کلان از مهم‌ترین زمینه‌های تحقیقاتی در مراکز پژوهشی باشد.

روش‌شناسی پژوهش

در اندازه‌گیری بی‌ثباتی اقتصاد کلان از شاخص‌های متعددی برای بی‌ثباتی استفاده شده است. این شاخص‌ها نرخ تورم، نرخ ارز، نسبت کسری بودجه به تولید و نسبت بدهی خارجی به تولید است که از سوی بانک مرکزی و بانک جهانی به کار برده شده است. پس از به‌دست آوردن شاخص‌های بی‌ثباتی اقتصاد کلان، با استفاده از روش رهیافت خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی، مدل برآورد شده است.

1. Mehta
2. Oseni
3. Bahmani-Oskooee & Xi



۱. ارائه الگوی پژوهش

همان طور که در مقدمه بدان اشاره شد هدف اصلی پژوهش حاضر تحلیل اثر رفاهی بی ثباتی اقتصاد کلان بر جریان مصرف در ایران در بازه زمانی ۱۴۰۲-۱۳۵۶ است. برای این منظور از رهیافت خودرگرسیون با وقفه های توزیعی (ARDL) استفاده شده است. در ادامه این الگو براساس متغیرهای پژوهش در چهار قالب تبیین شده است. در هر چهار قالب متغیر وابسته عبارت از سرانه حقیقی جریان مصرف است که در واقع یکی از ابعاد و به نوعی مهم ترین بُعد در شاخص ترکیبی رفاه (IEWB) است. به نحوی که در بین شاخص های رفاه اقتصادی، IEWB به عنوان شاخصی جامع و فراگیر استفاده می شود. شاخص IEWB رفاه اقتصادی را تابعی از ابعاد جریان مصرف سرانه مؤثر، خالص انباشت اجتماعی ذخایر و منابع مولد ثروت، نابرابری اقتصادی و ناامنی اقتصادی در نظر می گیرد. بنابراین وزن های اختصاص یافته به هر بعد با توجه به مشاهدات مختلف، متفاوت خواهد بود (اوزبرگ و شارپ، ۲۰۰۹). فرم کلی این شاخص به صورت رابطه (۱) است:

$$IEWB = \alpha_1 CF + \alpha_2 WS + \alpha_3 ID + \alpha_4 ES \quad (1)$$

مقدار شاخص رفاه اقتصادی را با اجزای چهارگانه ای اندازه می گیرند که عبارت از جریان مصرف (CF)، انباشت ثروت یا موجودی دارایی مولد (WS)، توزیع درآمدهای فردی (ID) و سطح امنیت اقتصادی (ES) است (بختیاری و همکاران، ۱۳۹۱). برای محاسبه جریان مصرف و جهت منظور داشتن آن در شاخص ترکیبی رفاه اقتصادی از رابطه (۲) استفاده می شود:

$$CF = (C + G + WT - RE)(LE) \quad (2)$$

که در آن، C سرانه حقیقی مخارج مصرفی نهایی خانوار، G سرانه حقیقی مخارج مصرفی نهایی عمومی دولت، WT سرانه حقیقی تغییرات در مدت زمان کار، RE سرانه حقیقی مخارج جبرانی (جبران خدمات کارکنان، ارزش واقعی سرانه تولید یک ساعت) و LE امید به زندگی است؛ به نحوی که سرانه حقیقی تغییرات در مدت زمان کار از رابطه (۳) حاصل می شود (اوزبرگ و شارپ، ۲۰۰۹؛ جعفری صمیمی و همکاران، ۱۳۹۷):

$$WT = \left(\frac{WAP}{POP} \right) \cdot VL_{WAP} \quad (3)$$

$$VL_{WAP} = \left[1 - \frac{TR}{GDP} \right] \cdot S \quad (4)$$

$$S = \frac{WR}{WAP} \quad (5)$$

در روابط فوق WAP جمعیت فعال (۱۵ سال به بالا)، POP جمعیت کل، VL_{WAP} ارزش افزوده فراغت یک نفر در سن کار، TR درآمد مالیاتی، GDP تولید ناخالص داخلی و S متوسط جبران خدمات هر فرد و WR کل جبران خدمات کارکنان می‌باشد. سرانه حقیقی مخارج جبرانی نیز از فرمول (۶) به دست می‌آید:

$$RE = \frac{GDP}{WAP} \quad (۶)$$

چهار شاخص بی‌ثباتی اقتصاد کلان عبارت از شاخص بی‌ثباتی با معیار آرچ-گارچ^۱، شاخص بی‌ثباتی با معیار گلزاکاس^۲، شاخص بی‌ثباتی با معیار هودریک-پرسکات^۳ و شاخص بی‌ثباتی با معیار انحراف معیار^۴ است. در محاسبه شاخص بی‌ثباتی اقتصاد کلان با چهار معیار مذکور از چهار متغیر تورم، نسبت کسری بودجه به تولید، نرخ ارز بازار آزاد و نسبت بدهی خارجی به تولید استفاده شده است. همچنین، لگاریتم تولید داخلی حقیقی (LnRGDP)، اندازه دولت (GS)، بیکاری (UnEm) به-عنوان متغیرهای کنترل در مدل لحاظ شده‌اند. بر این مبنا الگوی پژوهش به صورت رابطه (۷) تصریح شده است:

$$\begin{aligned} \Delta CF_t = & \rho CF_{t-1} + \theta MII_{t-1}^j + \omega LnRGDP_{t-1} + \delta GS_{t-1} + \varphi UnEm_{t-1} \\ & + \sum_{i=1}^{p-1} \rho_i \Delta CF_{t-i} + \sum_{i=0}^{q-1} \theta_i \Delta MII_{t-i}^j + \sum_{i=0}^{r-1} \omega_i \Delta LnRGDP_{t-i} \\ & + \sum_{i=0}^{s-1} \delta_i \Delta GS_{t-i} + \sum_{i=0}^{v-1} \varphi_i \Delta UnEm_{t-i} + \vartheta_t \end{aligned} \quad (۷)$$

که در آن $MIIP$ بیانگر^۴ شاخص از بی‌ثباتی اقتصاد کلان یعنی $MIIP$ ، $MIIGEL$ ، $MIARCH$ و $MIISD$ است به نحوی که $MIARCH$ بیانگر شاخص بی‌ثباتی اقتصاد کلان با معیار آرچ-گارچ است. برای محاسبه شاخص، واریانس چهار متغیر تورم، نسبت کسری بودجه به تولید، نرخ ارز بازار آزاد و نسبت بدهی خارجی به تولید با روش گارچ برآورد و با میانگین‌گیری از آن‌ها، شاخص بی‌ثباتی اقتصاد کلان با معیار آرچ-گارچ به دست آمده است. $MIIGEL$ بیانگر شاخص بی‌ثباتی اقتصاد کلان با معیار گلزاکاس است. برای محاسبه آن هر یک از چهار متغیر تورم، نسبت کسری بودجه به تولید، نرخ ارز بازار آزاد و نسبت بدهی خارجی به تولید را بر روند و توان‌های روند برآورد نموده و تا جایی که ضریب برآوردی آن‌ها معنادار باشد روندهای توان‌دار در برآورد وارد می‌شود. پس از آن جملات پسماند هریک از چهار برآورد استخراج و نرمالایز شده است. در مرحله آخر با میانگین‌گیری از آن‌ها، شاخص بی‌ثباتی اقتصاد کلان با معیار گلزاکاس به دست

1. Macroeconomic Instability Indicators-ARCH-GARCH (MIARCH)
2. Macroeconomic Instability Indicators-Gelzakas (MIIGEL)
3. Macroeconomic Instability Indicators-Hodrick-Prescott (MIHP)
4. Macroeconomic Instability Indicators-Standard Deviation (MIISD)



آمده است. MIIHP بیانگر شاخص بی‌ثباتی اقتصاد کلان با معیار هودریک-پرسکات است. برای محاسبه آن با استفاده از فیلتر هودریک-پرسکات جزء سیکلی برای هر یک از چهار متغیر تورم، نسبت کسری بودجه به تولید، نرخ ارز بازار آزاد و نسبت بدهی خارجی به تولید محاسبه و نرمالایز شده است. در مرحله آخر با میانگین‌گیری از آن‌ها، شاخص بی‌ثباتی اقتصاد کلان با معیار هودریک-پرسکات به دست آمده است. MIISD بیانگر شاخص بی‌ثباتی اقتصاد کلان با معیار انحراف معیار است. برای محاسبه انحراف معیار سه سال متوالی هر یک از چهار متغیر تورم، نسبت کسری بودجه به تولید، نرخ ارز بازار آزاد و نسبت بدهی خارجی به تولید محاسبه و نرمالایز شده است. در مرحله آخر با میانگین‌گیری از آن‌ها، شاخص بی‌ثباتی اقتصاد کلان با معیار انحراف معیار به دست آمده است.

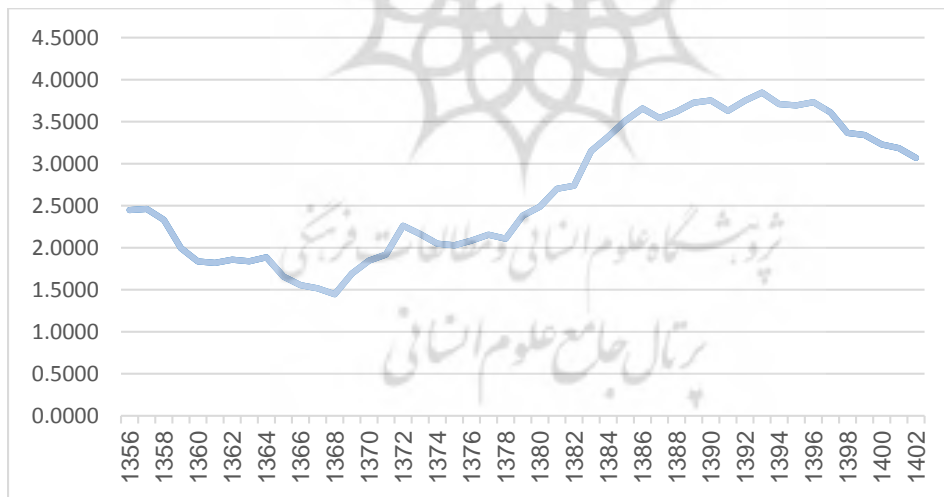
۲. توصیف داده‌های پژوهش

جهت تبیین داده‌ها، میانگین متغیرهای اصلی پژوهش در کل دوره و ۷ زیر دوره محاسبه شده است که به شرح جدول (۱) می‌باشد. با توجه به اطلاعات مندرج در جدول (۱) و در ارتباط با سرانه حقیقی جریان مصرف بیشترین و کم‌ترین مقدار به ترتیب مربوط به برنامه پنجم و برنامه اول با رقم‌های ۳/۷۳ و ۱/۸۸ میلیارد ریال بوده است. لازم به ذکر است نمودار روند حرکتی سرانه حقیقی جریان مصرف مطابق نمودار (۱) حکایت از روندی افزایشی همراه با نوسانات متعدد در بازه زمانی پژوهش داشته است. تا پایان دوره جنگ، روند جریان مصرف نزولی بوده است. این موضوع بیانگر آن است که پدیده‌های سیاسی مانند جنگ، تحریم، تورم می‌تواند به طور عمده‌ای بر عملکرد رفاهی و مصرفی جامعه تأثیر مخرب و منفی داشته باشد. همان‌طور که از نمودار (۱) مشخص است، مصرف از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۶۸ با نوسانات نزولی همراه بوده است، به طوری که از ۱/۹۳ به ۱/۸۸ میلیارد ریال کاهش یافته است. در برنامه اول توسعه جریان مصرف روند صعودی داشته است. در ادامه و در دهه ۸۰ به دلیل تک‌نرخ شدن نرخ ارز و با تأسیس صندوق ملی، شاخص ترکیبی رفاه رو به افزایش و مصرف سرانه نیز روند صعودی خود را تجربه کرده است. شوک اول تحریم‌ها در ابتدای دهه ۹۰ باعث توقف مصرف می‌شود اما آن را چندان کم نمی‌کند و به تدریج روند کاهشی را آغاز کرده است. از دید اقتصاد کلان، زمانی که حجم اقتصاد دچار نوسان می‌شود مردم سعی می‌کنند مصرف خود را تا جای امکان در همان سطح قبلی حفظ کنند. به بیان ساده‌تر، زمانی که تولید سرانه یا درآمد سرانه نزولی می‌شود، مردم مصرفشان را کمتر از کاهش درآمدشان، کاهش می‌دهند. همچنین، از سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۲ جریان مصرف نزولی بوده است. مطابق جدول (۱)، شاخص هودریک-پرسکات در برنامه دوم بیشترین مقدار با رقم ۱۲/۸- درصد از میانگین کل دوره داشته است. شاخص گلزاکاس در برنامه چهارم با رقم ۵۲/۶ درصد بیشترین مقدار را از میانگین کل دوره داشته است. شاخص آرج-گارچ در برنامه ششم با رقم ۳۵/۵ درصد بیشترین مقدار را از میانگین کل دوره داشته است. شاخص انحراف معیار نیز در برنامه ششم با رقم ۳۳/۱ درصد از میانگین کل دوره بیشتر بوده است. همچنین، این شاخص از برنامه سوم تا برنامه ششم روندی صعودی داشته است. ضمناً بیشترین چولگی مربوط به شاخص بی‌ثباتی آرج-گارچ و بیشترین کشیدگی مربوط به شاخص بی‌ثباتی هودریک-پرسکات است.

جدول ۱. میانگین متغیرهای پژوهش

زیر دوره	سرايه حقيقي جريان مصرف (مليارد ريال)	شاخص بی‌ثباتی اقتصاد کلان		
		هودریک- پرسکات	گلزاکاس	آرچ-مارچ معیار
۱۳۵۷ تا پایان جنگ	۱/۸۸	-۲۲/۴	۴۲/۹	۱۳/۴
برنامه اول	۱/۸۸	-۳۰/۲	۳۵/۶	۵/۹
برنامه دوم	۲/۰۸	-۱۲/۸	۳۴/۴	۱۱/۳
برنامه سوم	۲/۶۹	-۳۰/۸	۴۱	۴/۴
برنامه چهارم	۳/۵۶	-۲۲	۵۲/۶	۲/۶
برنامه پنجم	۳/۷۳	-۲۶/۹	۴۴/۱	۱۵/۲
برنامه ششم	۳/۳۶	-۲۰/۲	۴۷/۱	۳۵/۵
میانگین دوره	۲/۶۷	-۲۲/۸	۴۲/۶	۱۳/۱
انحراف معیار	۰/۸	۲۸/۹	۹/۳	۱۳/۵
چولگی ^۱	-۰/۱	۰/۰۱	۰/۷	۱/۲
کشیدگی ^۲	۱/۴	۳/۳	۳/۱	۳/۲

منبع: یافته‌های پژوهش



نمودار ۱. روند حرکتی سرانه حقیقی جریان مصرف در ایران (میلیارد ریال)

منبع: یافته‌های پژوهش

1. Skewness
2. Kurtosis



یافته‌های پژوهش

پیش از برآورد الگو لازم است تا آزمون مانایی متغیرها انجام شود. برای این منظور از آزمون ریشه واحد دیکی فولر استفاده شده است. نتایج آزمون ریشه واحد (گزارش شده در جدول ۲) مؤید آن است که برخی متغیرها در سطح مانا و تعدادی نیز با یک‌بار تفاضل‌گیری مانا می‌شوند. با توجه به نتیجه حاصل از آزمون ریشه واحد می‌توان از رهیافت خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی در برآورد الگوهای پژوهش حاضر بهره جست. شایان ذکر است در برآورد الگو، نتایج آزمون‌های تشخیصی حاکی از آن است که در آزمون‌های خودهمبستگی، نرمالیتی و ناهمسانی واریانس فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود خودهمبستگی، نرمال بودن و همسانی واریانس در جملات پسماند رد نمی‌شود. همچنین، به‌منظور اطمینان از وجود رابطه بلندمدت بین متغیرها از آزمون کرانه‌ها استفاده شده است. در این آزمون فرضیه صفر عدم وجود رابطه میان متغیرها است. مقدار آماره این آزمون در برآورد مطالعه حاضر از کرانه بالا و پایین در سطوح ۱، ۵ و ۱۰ درصد بزرگتر است که دال بر رد فرضیه صفر و یا تأییدی بر وجود رابطه بلندمدت است.

جدول ۲. آزمون ریشه واحد دیکی فولر

دیکی- فولر		متغیرها	
در تفاضل مرتبه اول	در سطح صفر	آماره آزمون	آماره آزمون
سطح احتمال	سطح احتمال	۰/۵۶	۰/۸۶
۰/۰۰۰	-۴/۵۹	-۲/۸۰	۰/۰۶۵
۰/۰۰۰	-۹/۷۴	-۲/۱۹	۰/۳۱
۰/۰۰۰	-۶/۱۱	۰/۱۲۵	۰/۹۶۴
۰/۰۰۰	-	-۵/۳۷	۰/۰۰۰
۰/۰۰۰	-	-۱/۹۸	۰/۲۹۳
۰/۰۰۰	-۹/۱۳	-۲/۰۵	۰/۲۶۱
۰/۰۰۰	-۸/۶۶	-۲/۶۱	۰/۰۹۶

منبع: یافته‌های پژوهش

۱. نتایج حاصل از برآورد الگو

در رهیافت خودرگرسیونی با وقفه‌های توزیعی، برآورد الگوی پویا در کوتاه‌مدت نیازمند تعیین وقفه بهینه است. با توجه به تعداد مشاهدات از معیار شوارتز-بیزین^۱ در تعیین وقفه بهینه استفاده شد که با وقفه بهینه یک همراه بود. پس از تعیین وقفه بهینه، الگوی ARDL برآورد و در جدول (۳) گزارش شده است. مطابق جدول (۳)، در کوتاه‌مدت بی‌ثباتی اقتصادی کلان مبتنی بر هر چهار معیار محاسباتی با اثری منفی و نامطلوب بر بُعد جریان مصرف از رفاه اقتصادی همراه است. تولید ناخالص داخلی حقیقی و اندازه دولت به‌طور مثبت و مطلوب بر بُعد جریان مصرف از رفاه اقتصادی اثرگذار است. آزمون والد در تبیین برآیند اثر بیکاری در هر چهار برآورد مؤید آن است که در کوتاه‌مدت بیکاری اثر معناداری بر بُعد جریان مصرف از رفاه اقتصادی ندارد. ضریب برآورد متغیر مجازی^۲ (Dum5668) معنادار و منفی است که نشان می‌دهد در طول یک سال قبل از انقلاب تا سال ۱۳۶۸، بُعد جریان مصرف از رفاه اقتصادی به‌طور معناداری کمتر از سال‌های پس از آن است. متغیر مجازی دیگر (Dum96402) برای سال‌های پس‌ابرجام (۱۳۹۶ تا ۱۴۰۲) می‌باشد که ضریب برآوردی آن در هر چهار برآورد منفی و معنادار است و نشان دهنده آن است که بُعد جریان مصرف از رفاه اقتصادی در این دوره به‌طور معناداری کمتر از سال‌های قبل از آن است. ضریب برآوردی جمله تصحیح خطا در هر چهار برآورد منفی و معنادار است که نشان می‌دهد با حرکت از یک سال به سال بعد بخشی از انحراف جریان مصرف به‌وسیله متغیرهای مستقل تعدیل می‌گردد.

جدول ۳. نتایج برآورد الگو پژوهش در کوتاه‌مدت

متغیرها	برآورد ۱ (آرچ-گارچ)		برآورد ۲ (گلزاکاس)		برآورد ۳ (هودریک-پرسکات)		برآورد ۴ (انحراف معیار)	
	ضریب	سطح احتمال	ضریب	سطح احتمال	ضریب	سطح احتمال	ضریب	سطح احتمال
<i>CF(-1)</i>	۰/۵۸	۰/۰۰۰	۰/۵۵۶	۰/۰۰۰	۰/۶۲۶	۰/۰۰۰	۰/۵۶۳	۰/۰۰۰
<i>MII</i>	-۰/۰۰۳	۰/۰۴۳	-۰/۰۰۱	۰/۰۷۵	-۰/۰۰۱	۰/۰۰۳	-۰/۰۰۲	۰/۰۴۷
<i>LnRGDP</i>	۰/۷۷	۰/۰۰۰	۰/۸۳۵	۰/۰۰۰	۰/۶۶۹	۰/۰۰۰	۰/۷۹۷	۰/۰۰۰
<i>GS</i>	۰/۰۱۴	۰/۰۰۰	۰/۰۱۵	۰/۰۰۰	۰/۰۱۳۴	۰/۰۰۱	۰/۰۱۵	۰/۰۰۰
<i>UnEm</i>	-۰/۰۳۲	۰/۰۲۹	-۰/۰۲۹	۰/۰۱۲	-۰/۰۴۱	۰/۰۰۵	-۰/۰۲۹	۰/۰۴۳
<i>UnEm(-1)</i>	۰/۰۴۱	۰/۰۰۸	۰/۰۴۴	۰/۰۰۰	۰/۰۵۱	۰/۰۰۰	۰/۰۴۵	۰/۰۰۳
<i>Dum5668</i>	-۰/۱۰۷	۰/۰۴۶	-۰/۱۰۸	۰/۰۱۹	-۰/۱۳۳	۰/۰۰۷	-۰/۱۱۰	۰/۰۳۸
<i>Dum96402</i>	-۰/۲۰۸	۰/۰۰۳	-۰/۳۰۲	۰/۰۰۰	-۰/۲۷۷	۰/۰۰۰	-۰/۲۶۳	۰/۰۰۰
جمله تصحیح خطا	-۰/۴۱	۰/۰۰۰	-۰/۴۴	۰/۰۰۰	-۰/۳۷	۰/۰۰۰	-۰/۴۳	۰/۰۰۰

1. Schwartz-Bazin

۲. در برآورد تمامی سناریوهای مطالعه حاضر، برای متغیر مجازی (DUM5668)، سال‌های ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۸ با یک و سایر سال‌ها با صفر کدگذاری شده است.



آزمون والد ^۱		مقدار آماره F		متغیر	
اندازه مجموع ضرایب	سطح احتمال				
۰/۰۰۸	۰/۴۵۷	۰/۵۶۵		UnEm	در برآورد ۱
۰/۰۱۵	۰/۱۲۴	۲/۴۷		UnEm	در برآورد ۲
۰/۰۱۰	۰/۳۲۷	۰/۹۸۴		UnEm	در برآورد ۳
۰/۰۱۵	۰/۱۵۵	۲/۱۰		UnEm	در برآورد ۴

آزمون های تشخیصی					
۲/۶۶	۱/۰۳	۱/۷۹	۱/۶۲	آماره	نرمالیتی
۰/۲۶۴	۰/۵۹۴	۰/۴۰۷	۰/۴۴۳	احتمال	
۰/۱۶۰	۰/۱۸۳	۰/۰۱۸	۱/۴۷	آماره	خودهمبستگی
۰/۶۶۸	۰/۶۶۸	۰/۸۹۲	۰/۲۲۵	احتمال	سریالی
۸/۴۰	۷/۴۵	۳/۷۰	۶/۲۰	آماره	ناهمسانی
۰/۳۹۵	۰/۴۸۸	۰/۸۸۳	۰/۶۲۴	احتمال	واریانس
۱/۵۳	۰/۲۵۵	۱/۳۴	۱/۵۲	آماره	رمزی
۰/۱۳۴	۰/۷۹۹	۰/۱۸۷	۰/۱۳۵	احتمال	ریست

منبع: یافته های پژوهش

نتایج بلندمدت در جدول (۴) گزارش شده است. مطابق با جدول (۴) بی ثباتی اقتصاد کلان مبتنی بر هر چهار معیار محاسباتی با اثری منفی و نامطلوب بر بُعد جریان مصرف از رفاه اقتصادی اثرگذار است؛ به نحوی که با افزایش یک واحدی بی ثباتی اقتصاد کلان با معیارهای آرچ-گارچ، گلزاکاس، هودریک-پرسکات و انحراف معیار، بُعد جریان مصرف از رفاه اقتصادی به ترتیب به میزان ۰/۰۰۳، ۰/۰۰۱، ۰/۰۰۱ و ۰/۰۰۲ میلیارد ریال کاهش می یابد. مطابق مبانی نظری، بی ثباتی اقتصادی هزینه های زیان باری برای اقتصاد و جامعه در پی دارد و این بی ثباتی منجر به تفاوت های درآمدی در گروه های مختلف می شود. همچنین، بی ثباتی از طریق توزیع مجدد درآمد و انحراف منابع از تولید به فعالیت های دارای رانت، سطح رفاه اقتصادی و جریان مصرف را تحت تأثیر قرار می دهد. تولید ناخالص داخلی حقیقی مشابه کوتاه مدت در بلندمدت نیز در هر چهار برآورد با اثری مثبت و مطلوب بر بُعد جریان مصرف از رفاه اقتصادی همراه است؛ به نحوی که برای نمونه در برآورد نخست، با افزایش یک درصدی در تولید حقیقی، بُعد جریان مصرف از رفاه اقتصادی مصرف به میزان ۰/۰۰۷۷۲ واحد افزایش می یابد. مطابق با مبانی نظری، ارتباط بین تولید ناخالص داخلی و بُعد مصرف قابل توجیه است. طبق نظریه هاربرگر-لارسن-متزler^۲ بهبود سطح تولید، درآمد ملی را افزایش داده و به علت کوچکتر از یک بودن میل نهایی به مصرف، بخشی از درآمد کسب شده پس انداز می شود که این امر در نهایت رفاه اقتصادی را افزایش می دهد. این نتیجه با نتایج پژوهش اندایش و همکاران (۱۴۰۰) و جینگ و ژانگ^۳ (۲۰۱۲) و آمادومایگا^۴ (۲۰۱۴) هم راستا و با نتایج اینچنگرین^۵ (۱۹۹۶) در تضاد می باشد. اندازه دولت همچون کوتاه مدت در بلندمدت نیز به نحو مثبت بر بُعد جریان مصرف از رفاه اقتصادی در هر چهار برآورد اثرگذار

1. Wald Test
2. Harberger, Laursen & Metzler
3. Jing & Zhang
4. Amadomiga
5. Eichengreen

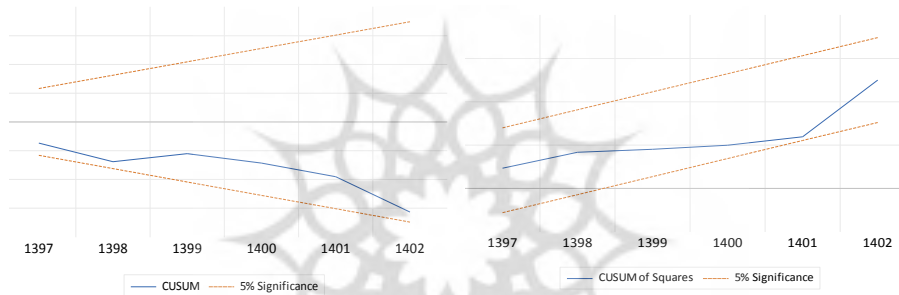
است؛ به‌نحوی که برای نمونه در برآورد نخست، با افزایش یک درصدی در اندازه دولت، بُعد جریان مصرف از رفاه اقتصادی مصرف به میزان ۰/۰۱۴ میلیارد ریال افزایش می‌یابد. براساس مبانی نظری، ارتباط میان اندازه دولت و بُعد جریان مصرف از رفاه اقتصادی حاکی از آن است که این متغیر در دو دوره بلندمدت و کوتاه‌مدت تأثیری مثبت و معنی‌دار بر بُعد جریان مصرف از رفاه اقتصادی دارد. این نتیجه در راستای مطالعه دیویس^۱ (۲۰۰۹) است. با دخالت بیش از اندازه دولت، بسیاری از فعالیت‌ها که انجام آن‌ها توسط بخش خصوصی و در جریان رقابت موجود در بازار آزاد صورت می‌گرفت به بخش دولت واگذار می‌شود. طبیعتاً به دلیل نبودن رقابت، کیفیت انجام فعالیت‌ها، نزول می‌کند و به پایین‌ترین سطح خود کاهش می‌یابد. بیکاری نیز در هر چهار برآورد شبیه کوتاه‌مدت در بلندمدت به‌طور منفی و نامطلوب بر بُعد جریان مصرف از رفاه اقتصادی مصرف اثرگذار است؛ به نحوی که برای نمونه در برآورد نخست، با افزایش یک درصدی در نرخ بیکاری، بُعد جریان مصرف از رفاه اقتصادی مصرف به میزان ۰/۰۳۲ واحد افزایش می‌یابد. بر این مبنا افزایش بیکاری موجب افزایش نابرابری درآمدی و در نتیجه کاهش رفاه اقتصادی می‌شود.

جدول ۴. نتایج برآورد الگو پژوهش در بلندمدت

متغیرها	برآورد ۱ (آرچ-گارچ)		برآورد ۲ (گلزاکاس)		برآورد ۳ (هودریک- پرسکات)		برآورد ۴ (انحراف معیار)	
	سطح احتمال	ضریب	سطح احتمال	ضریب	سطح احتمال	ضریب	سطح احتمال	ضریب
MII	۰/۰۶۸	-۰/۰۰۳	۰/۴۳۳	-۰/۰۰۱	۰/۰۰۷	-۰/۰۰۱	۰/۰۷۳	-۰/۰۰۲
LnRGDP	۰/۰۰۰	۰/۷۷۲	۰/۰۰۰	۰/۸۳۵	۰/۰۰۰	۰/۶۶۹	۰/۰۰۰	۰/۷۹۷
GS	۰/۰۰۱	-۰/۰۱۴	۰/۰۰۱	۰/۰۱۵	۰/۰۰۴	-۰/۰۱۲	۰/۰۰۰	-۰/۰۱۵
UnEm	۰/۰۰۴	-۰/۰۳۲	۰/۰۰۸	-۰/۰۲۹	۰/۰۰۱	-۰/۰۴۱	۰/۰۰۶	-۰/۰۲۹
آزمون کرانه‌ها								
آماره آزمون کرانه پایین، سطح خطا ۱۰ درصد کرانه بالا، سطح خطا ۱۰ درصد	برآورد ۱ (آرچ-گارچ)		برآورد ۲ (گلزاکاس)		برآورد ۳ (هودریک- پرسکات)		برآورد ۴ (انحراف معیار)	
	۸/۶۶	۲/۳۷	۷/۶۰	۲/۴۰	۱۰/۲۹	۲/۴۰	۸/۶۱	۲/۴۰
	۳/۳۲	۳/۳۴	۳/۳۴	۳/۳۴	۳/۳۴	۳/۳۴	۳/۳۴	۳/۳۴

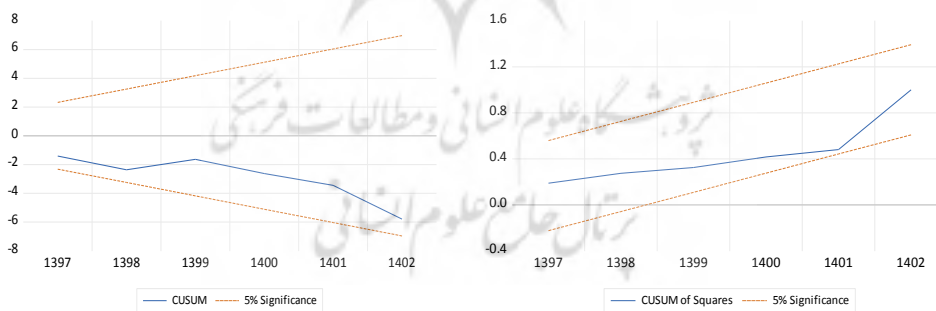
منبع: یافته‌های پژوهش

در ادامه و پس از برآورد جهت اطمینان از پایداری رگرسیون برآوردی و درست بودن نتایج حاصله، آزمون های ثبات ساختاری پسماند تجمعی^۱ و مجذور پسماند تجمعی^۲ انجام گرفت. در آزمون های مذکور مقادیر آماره برآوردی در بین دو مرز بحرانی در سطح اطمینان ۹۵ درصد ترسیم می شود. این آزمون ها نشان از ثبات ضرایب برآوردی در طول دوره مدنظر پژوهش است. چنانچه نمودار پسماند تجمعی و مجذور پسماند تجمعی، در میان دو مرز (خط مستقیم) قرار گیرد، فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود شکست ساختاری رد نمی شود و در غیر این صورت، فرضیه رقیب مبنی بر وجود شکست ساختاری مورد پذیرش واقع می گردد. خروجی آزمون های مذکور در نمودارهای (۲)، (۳)، (۴) و (۵) منعکس شده که براین اساس می توان ادعان نمود که ضرایب برآوردی دارای ثبات بوده و وجود شکست ساختاری مورد تأیید واقع نمی شود.



نمودار ۲. آزمون ثبات ساختاری پسماند تجمعی و مجذور پسماند تجمعی در الگوی نخست

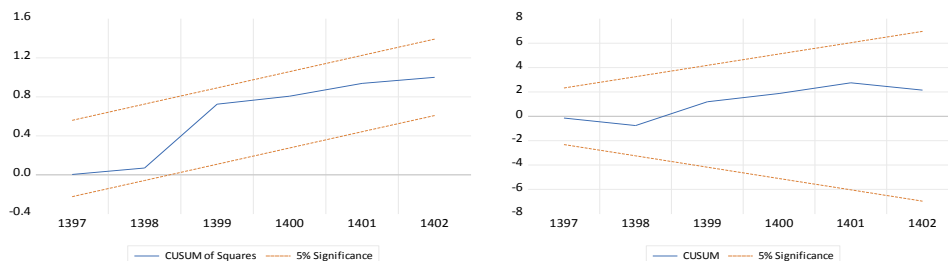
منبع: محاسبات پژوهش



نمودار ۳. آزمون ثبات ساختاری پسماند تجمعی و مجذور پسماند تجمعی در قالب دوم

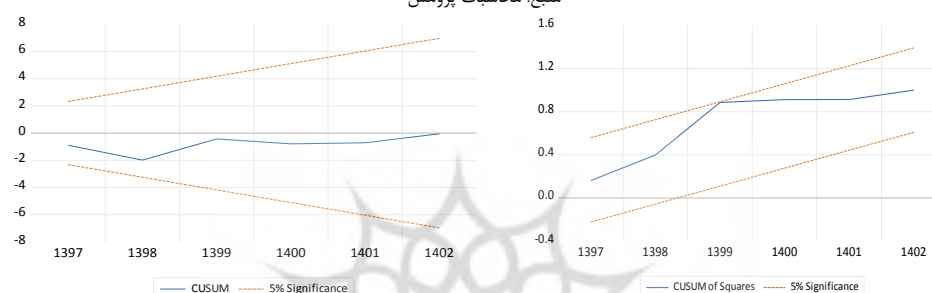
منبع: محاسبات پژوهش

1. Cumulative Sum of Residuals (CUSUM)
2. Cumulative Sum of Squared Residuals (CUSUMSQ)



نمودار ۴. آزمون ثبات ساختاری پسماند تجمعی و مجذور پسماند تجمعی در قالب سوم

منبع: محاسبات پژوهش



نمودار ۵. آزمون ثبات ساختاری پسماند تجمعی و مجذور پسماند تجمعی در قالب چهارم

منبع: محاسبات پژوهش

بحث و نتیجه‌گیری

مصرف داخلی، یک متغیر اقتصادی بسیار مهم است که سیاست‌گذاران در تنظیم اقتصاد هر کشوری از آن استفاده می‌کنند؛ زیرا بخش عمده‌ای از تولید ناخالص داخلی یک کشور را تشکیل می‌دهد. پژوهش حاضر به بررسی اثر رفاهی بی‌ثباتی اقتصاد کلان بر جریان مصرف در ایران پرداخته است. بدین منظور، ابتدا با استفاده شاخص‌های بی‌ثباتی اقتصاد کلان با استفاده از چهار معیار آرج-گارچ، گلزاکاس، هودریک-پرسکات و انحراف معیار و با اتکا به چهار متغیر تورم، نسبت کسری بودجه به تولید، نسبت بدهی خارجی به تولید و نرخ ارز بازار آزاد در بازه زمانی ۱۳۵۶-۱۴۰۲ محاسبه شد. سپس با استفاده از از رهیافت خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی، تأثیر بی‌ثباتی اقتصاد کلان بر بُعد جریان مصرف از رفاه اقتصادی بررسی شد. مطابق با مبانی نظری، ارتباط بین متغیرهای کلان اقتصادی نظیر تورم، بیکاری و اندازه دولت با مصرف موضوعی اساسی و مورد توجه می‌باشد. اندازه دولت می‌تواند از طریق سیاست‌های مالی و تأثیر آن بر درآمدها، خدمات عمومی و اطمینان اقتصادی بر مصرف تأثیر بگذارد (بارو، ۱۹۷۹). نتایج محاسبه حاکی از آن است که در طی ۴۶ سال مد نظر میانگین جریان مصرف در ایران ۲/۶۷ میلیارد ریال می‌باشد. طبق توصیف داده‌ها، جریان مصرف روندی افزایشی همراه با نوسانات متعدد در بازه زمانی پژوهش دارا بوده است.

مصرف از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۶۸ با نوسانات نزولی همراه بوده است، به طوری که از ۱/۹۳ به ۱/۸۸ میلیارد ریال کاهش یافته است. پدیده‌های سیاسی مانند جنگ، تحریم، تورم می‌تواند به طور عمده‌ای بر عملکرد رفاهی و مصرفی جامعه تأثیر مخرب و منفی داشته باشد. همچنین، شاخص بی‌ثباتی اقتصاد کلان با معیار هودریک-پرسکات در برنامه دوم توسعه، معیار گلزاکس در برنامه چهارم توسعه، معیار آرچ-گارچ در برنامه ششم توسعه و معیار انحراف معیار نیز در برنامه ششم توسعه بیشترین مقدار میانگین کل دوره را داشته‌اند. نتایج حاصل از برآورد الگوی پژوهش در بلندمدت مؤید آن بوده است که بی‌ثباتی اقتصادی با هر چهار شاخص اثر منفی و نامطلوب بر بُعد جریان مصرف از رفاه اقتصادی دارد. این نتیجه با مبانی نظری که بی‌ثباتی اقتصاد کلان، مانند بدهی‌های دولت ناشی از کاهش درآمدها یا افزایش مخارج، می‌تواند مصرف را تحت تأثیر قرار دهد، همسو است. تولید ناخالص داخلی حقیقی و اندازه دولت در بلندمدت، با اثری مثبت و مطلوب بر بُعد جریان مصرف از رفاه اقتصادی همراه است. اندازه دولت از طریق افزایش مالیات‌ها ممکن است مصرف را کاهش دهد؛ در حالی که افزایش هزینه‌های دولت (مانند یارانه‌ها یا خدمات عمومی) می‌تواند مصرف را افزایش دهد. در مجموع اثر مثبت اندازه دولت بر رفاه با توجه به نقش دولت در تأمین خدمات عمومی، یارانه‌ها و سیاست‌های حمایتی قابل تبیین است. بیکاری نیز طبق انتظار اثری منفی و نامطلوب بر بُعد جریان مصرف از رفاه اقتصادی دارد. طبق نتایج حاصل از این پژوهش مبنی بر تحلیل اثر رفاهی بی‌ثباتی اقتصاد کلان بر بُعد جریان مصرف از رفاه اقتصادی در ایران پیشنهاد می‌شود که تا جای ممکن سیاست‌های دولت در راستای کاهش نوسانات در تورم، نسبت کسری بودجه به تولید، نسبت بدهی خارجی به تولید و نرخ ارز بازار آزاد باشد. به عبارت دیگر، لازم است تا تمرکز دولت در اتخاذ سیاست‌های پولی و مالی بر کاهش دامنه نوسان متغیرهای مذکور قرار گیرد. کاهش بی‌ثباتی اقتصاد کلان در راستای برنامه‌ریزی بلندمدت رشد اقتصادی دارای اهمیت است. از آنجاکه بازار پول و ارز بازارهایی بسیار پویا هستند و نوسانات آن به سرعت به سایر بازارها منتقل می‌شود، به دلیل بروز ناطمینانی، مناسب است سیاست‌های لازم جهت کنترل بازار ارز و حجم نقدینگی اعمال شود. در این راستا، بلندمدت بودن سیاست‌های اقتصادی جهت ایجاد ثبات در تصمیم‌گیری عوامل اقتصادی، کاهش نقش مسائل سیاسی در تصمیم‌گیری سیاست‌های اقتصادی دولت و سیاست‌های پولی و ارزی همزمان برای ثبات اقتصادی، باید مدنظر قرار گیرد.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.
 مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.
 تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافعی وجود ندارد.
 تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده است.

منابع

- احمد، مولود؛ تشیکنی، احمد و سوری، امیر رضا. (۱۳۸۷). تخمین تابع مصرف بخش خصوصی در اقتصاد ایران. *پژوهشنامه اقتصادی*، ۱۸(۱)، ۳۹-۱۵.
- امام قلی‌پور، سارا و عاقلی، لطفعلی. (۱۳۹۱). تأثیر ثروت بر مصرف بخش خصوصی در ایران. *فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی*، ۶(۲)، ۸۱-۶۱.
- بختیاری، صادق؛ رنجبر، همایون و قربانی، سمیه. (۱۳۹۱). شاخص ترکیبی رفاه اقتصادی و اندازه‌گیری آن برای منتخبی از کشورهای در حال توسعه. *پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، ۳(۹)، ۵۸-۴۱.
- جعفری صمیمی، احمد؛ زروکی، شهریار و ساداتی امیری، سیده رقیه. (۱۳۹۷). تحلیل رفاه اقتصادی با تاکید بر ابعاد جهانی شدن. *مدلسازی اقتصادی*، ۱۲(۴۴)، ۲۳-۱.
- زروکی، شهریار؛ مؤتمنی، مانی؛ ملاتبار فیروزجائی، فاطمه و حسن‌پور ورکلائی، مهدی. (۱۴۰۳). تحلیل اثر تجارت بر رفاه اقتصادی در ایران طی نیم قرن اخیر. *اقتصاد باثبات*، ۵(۳)، ۱۳۶-۱۰۷.
- عبدی سیدکلایی، محمد؛ زروکی، شهریار و حسن‌پور ورکلائی، مهدی. (۱۴۰۴). بررسی آثار نامتقارن ادوار تجاری بر مصرف و انباشت ثروت در ایران. *پژوهشنامه اقتصاد کلان*. doi: 10.22080/mrl.2025.28582.2156
- فتحی، علیرضا؛ زندی، فاطمه؛ صفوی، بیژن و ربیعی، مهناز. (۱۴۰۳). آثار شوک کسری بودجه، بدهی بخش عمومی و روش‌های تأمین مالی دولت بر مؤلفه‌های مصرف و ثروت شاخص رفاه اقتصادی. *فصلنامه اقتصاد محاسباتی*، ۳(۴)، ۲۱-۱.
- کشاوری، هادی و رضایی، محمد. (۱۴۰۰). بی‌ثباتی سیاسی، مالی و اقتصادی در اقتصاد ایران: ابعاد و عوامل مؤثر بر آن. *مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل*، ۴(۲)، ۷۲۴-۶۹۱.
- لعل خضری، حمید؛ ناجی میدانی، علی اکبر و کریم‌زاده، مصطفی. (۱۳۹۳). اثر تلاطم نرخ ارز بر مصرف بخش خصوصی در ایران (۹۰-۱۳۵۲). *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ۱۹(۵۲)، ۲۳۶-۲۱۱.
- محسنی زنوزی، سید جمال‌الدین؛ فیضی ینگجه، سلیمان و موسوی، اکرم. (۱۳۹۶). اثر نرخ ارز و ناطمینانی نرخ ارز بر مصرف داخلی در ایران. *فصلنامه نظریه‌های کاربردی اقتصاد*، ۴(۳)، ۲۱۴-۱۹۵.
- محمدزاده اصل، نازی. (۱۳۹۷). تأثیر آستانه‌ای بدهی‌های دولتی بر مصرف بخش خصوصی در ایران. *فصلنامه مطالعات و سیاست‌های اقتصادی*، ۱۴(۲)، ۱۲۴-۱۰۵.
- موسوی جهرمی، یگانه و زایر، آیت. (۱۳۸۷). بررسی اثر کسری بودجه دولت بر مصرف و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ایران. *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، ۸(۳)، ۱۹-۱.
- میرزاحمدی، سعید و انجم شعاع، سجاد. (۱۳۹۳). اثر نوسات نرخ ارز واقعی مؤثر بر مصرف در ایران. *فصلنامه اقتصاد و الگوسازی*، ۴(۱۹ و ۲۰)، ۱۷-۱.

References

- Ahmadi Shadmehri, M. T; Osmani, F; Salehnia, N; Cheshomi, A; & Cheshomi, M. (2025). The Time-Varying Effect of Inflation on Consumption during the Period of Instability Caused by Sanctions. *Iranian Journal of Economic Studies*. 13(1), 87-107.

- Alexander, S. S. (1952). Effects of a Devaluation on a Trade Balance. *Staff Papers-International Monetary Fund*, 2(2), 263-278.
- Ali, A; & Rehman, H. U. (2015). Macroeconomic Instability and its Impact on Gross Domestic Product: An Empirical Analysis of Pakistan. *Pakistan Economic and Social Review*, 53(2), 285-316.
- Amadomiga, M. (2014). Analysing the Terms of Trade Effect for Pakestan. *Pakestan of Institute Development Economics*, 28(3), 1-59.
- Azam, J. P. (2001). Inflation and Macroeconomic Instability in Madagascar. *African Development Review*, 13(2), 175-201.
- Bahmani-Oskooee, M; & Xi, D. (2012). Exchange Rate Volatility and Domestic Consumption: Evidence from Japan. *Economic Systems*, 36(2), 326-335.
- Barro, R. J. (1979). On the Determination of the Public Debt. *Journal of Political Economy*, 87(5, Part 1), 940-971.
- Bleaney, M. F. (1996). Macroeconomic Stability, Investment and Growth in Developing Countries. *Journal of Development Economics*, 48(2), 461-477.
- Bloom, N. (2014). Fluctuations in Uncertainty. *Journal of Economic Perspectives*, 28(2), 153-176.
- Davies, A. (2009). Human Development and the Optimal Size of Government. *The Journal of Socio-Economics*, 38(2), 326-330.
- De Bondt, G; Gieseck, A; & Tujula, M. (2020). Household Wealth and Consumption in the Euro Area. *Economic Bulletin Articles*, 1.
- Eghbali, A. R; Hallafi, H. R; & Gaskari, R. (2003). The Effects of Some Variables on Private Investment: The Case of Iran. *Fourth International Scientific Conference: Investment in the Future 2003*, Proceeding International House of Scientist, Varna-Bulgaria, 43-53.
- Eichengreen, B. (1996). *Globalizing Capital: A History of the International Monetary System*. Princeton University Press, Princeton.
- Fischer, S. (1993). The role of Macroeconomic Factors in Growth. *Journal of Monetary Economics*, 32(3), 485-512.
- Friedman, M. (1957). *Theory of the Consumption Function*. Princeton University Press, Princeton.
- Hall, R. E. (1978). Stochastic Implications of the Life Cycle-permanent Income Hypothesis: Theory and Evidence. *Journal of Political Economy*, 86(6), 971-987.
- Iqbal, N; & Nawaz, S. (2010). Fiscal Decentralization and Macroeconomic Stability: Theory and Evidence from Pakistan, *MPRA Paper 27184*, University Library of Munich, Germany.
- Hausman, J. K; & Wieland, J. F. (2014). Abenomics: Preliminary Analysis and. *Brookings Papers on Economic Activity*. *Brookings Papers on Economic Activity* 2014(1), 1-63.
- Ismihan, M. (2003). *The Role of Politics and Instability on Public Spending Dynamic and Macroeconomic Performance: Theory and Evidence from Turkey* (Doctoral dissertation, METU).
- Iyke, B. N; & Ho, S. Y. (2020). Consumption and Exchange Rate Uncertainty: Evidence from Selected Asian Countries. *The World Economy*, 43(9), 2437-2462.
- Jing & Zhang, O. (2012). Trade and welfare in world. *Journal of Macroeconomic*, 12(3), 14-23.

Kandil, M; & Mirzaie, I. A. (2006). Consumption and Macroeconomic Policies: Theory and Evidence from Developing Countries. *The Journal of International Trade & Economic Development*, 15(4), 469-491.

Laborda, J; & Suárez, C. (2024). Heterogeneity in Household Consumption Behavior: The Role of Inequality and Financial Instability. *Journal of Evolutionary Economics*, 34(1), 63-88.

Mankiw, N. G. (2000). The Savers–Spenders Theory of Fiscal Policy. *American Economic Review*, 90(2), 120-125.

Mehta, D. (2024). Deficit Financing and Consumption: A Study of Indian Private Consumption Expenditure. *Studies in Economics and Econometrics*, 48(4), 295-308.

Morenike, A. T; & Chukwuyem, E. P. (2024). The Impact of External Debt and Exchange Rate Volatility on Domestic Consumption in Sub-Saharan Africa. *Saudi Journal of Economics and Finance*, 8(4), 102-115.

Mumtaz, S; & Ali, M. (2020). Impact of Exchange Rate and its Volatility on Domestic Consumption. *Journal of Public Affairs*, 22(2), e2479.

Ocampo, J. A. (2005). A Broad View of Macroeconomic Stability. *Economic & Social Affairs*, 1, 1-23.

Ocampo, J. A. (2008). A Broad View of Macroeconomic Stability. *The Washington Consensus Reconsidered*, 63-94.

Oseni, I. O. (2016). Exchange Rate Volatility and Private Consumption in SUB-Saharan African Countries: A System-GMM Dynamic Panel Analysis. *Future Business Journal*, 2(2), 103-115.

Olusola, B; Chimezie, M; Shuuya, S; & Addeh, G. (2022). The Impact of Inflation Rate on Private Consumption Expenditure and Economic Growth-Evidence from Ghana. *Open Journal of Business and Management*, 10, 1601-1646.

Ozberg, L; & Sharp, A. (2009). New Estimates of the Index of Economic Well-being for Selected OECD Countries, 1981 - 2007. *CSLS Research Reports 2009-11*, Centre for the Study of Living Standards.

Pastor, L; & Veronesi, P. (2013). Political Uncertainty and Risk Premia. *Journal of Financial Economics*, 110(3), 520-545.

Rivera-Batiz, F. (1987). *Economic History of Puerto Rico: Institutional Change and Capitalist Development*. By James L. Dietz. Princeton: Princeton University Press, 1987. Pp. xxiii, 337. *The Journal of Economic History*, 47(4), 1039-1040.

Sanchez-Robles, B. (1998). Infrastructure Investment and Growth: Some Empirical Evidence. *Contemporary Economic Policy*, 16(1), 98-108.

Taylor, J. B. (1979). Estimation and Control of a Macroeconomic Model with Rational Expectations. *Econometrica*, 47(5), 1267-1286.

COPYRIGHTS



This license allows others to download the works and share them with others as long as they credit them, but they can't change them in any way or use them commercially.